

تحلیل نتایج انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی در پرتو قاعده اکثریت

حسن خسروی^۱

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۳

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸

چکیده

نتایج انتخابات در نظام مردم‌سالار گویای میزان مطلوبیت زمامداری و اصالت سازوکار انتخاباتی جهت تحکیم حاکمیت ملی و انعکاس اراده عمومی است. در این راستا، قاعده اکثریت در جهت تحقق آرمان‌های مردم‌سالاری و تصمیم‌سازی جمعی نقش مهمی ایفا می‌نماید. پژوهش با هدف شیوه تاثیرگذاری این قاعده بر دستیابی به نمایندگی پرمعنا و اصیل، تضمین مفهوم حاکمیت ملی، اندیشه چندصدایی در زمامداری و تحلیل و سنجش نظام انتخاباتی و نتایج دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی در انطباق با اصول و قواعد مطلوب انتخاباتی و قاعده اکثریت انجام شده است. نتایج بدست آمده از تحلیل موضوع و استخراج نتایج با استفاده از شیوه آماری، توصیفی و تحلیلی، نشان می‌دهد که نظام رأی‌گیری انتخابات مجلس به دلیل اتخاذ شیوه رأی‌گیری نامتجانس، منجر به مشارکت پایین شهروندان شده و نرخ شاخص نمایندگی پایین نمی‌تواند گویای نمایندگی جمعی و عصاره اراده ملت و ترکیبی از اکثریت همه ذینفعان اجتماعی باشد و همچنین موید این امر است که مجلس یازدهم در انطباق با قاعده اکثریت، نمایندگی پرمعنا و اصیل شکل نگرفته و نیازمند اصلاح نظام انتخاباتی در مسیر حداکثری‌سازی مشارکت مردم و ایجاد زمینه مساعد برای رقابت منصفانه است.

واژگان کلیدی: قاعده اکثریت، نمایندگی پرمعنا، رأی‌گیری اکثریتی، نظام انتخاباتی

مجلس، مجلس یازدهم

انتخابات سازوکار و روشی مسالمت‌آمیز برای تصدی و انتقال آرام قدرت و تبدیل اراده عمومی به اندیشه حاکمیت یکپارچه ملی و انسجام‌بخشی به زیست جمعی با توسل به نظام تصمیم‌گیری جمعی است. در زندگی مشترک تعارض منافع و اراده‌ها امری طبیعی است، چون تنوعی از افکار و اندیشه‌ها که مختص همه انسان‌ها است در جامعه وجود دارد و به حکم بنیادین اصالت آزادی اراده و برابری ذاتی انسان‌ها، هیچ‌کس نمی‌تواند بر دیگران برتری جوید. اما زندگی جمعی نیاز به اعطای بخشی از آزادی در جهت برقرای نظم، عدالت و به‌سامانی جامعه است. زیست مشترک نوعی مدیریت جمعی در جهت نائل شدن به منافع و قواعد مشترک را اقتضاء می‌نماید. درک و احراز منافع جمعی و تضمین اراده عمومی منوط به اشتراک گذاردن تمام اراده ذینفعان اجتماعی است تا از ابراز آزادی اندیشه‌ها قدرمیتقنی از منفعت عمومی و توافقات اجتماعی حاصل شود و سازوکار احراز این مهم، «قاعده اکثریت» است. قاعده اکثریت انعکاس‌دهنده اراده آزاد جمعی عموم شهروندان است که با رضایت همه به موجب فرایند گزینش بدست آمده تا نمایندگان ملت از طرف آن‌ها زیست جمعی را ساماندهی نمایند.

اعمال قاعده اکثریت در نظام مردم‌سالار موضوعیت دارد، چرا که حاکمیت همچون شرکت سهامی است که هرکس صاحب یک سهم از کل است و با شرکت در نظام تصمیم‌گیری جمعی، به میزان سهم خود در تحقق مفهوم حاکمیت ملت، مشارکت می‌نماید تا مفهوم مجموعه یکپارچه و متحد «ملت» را محقق سازد. نمایندگی حاصله از چنین قاعده‌ای تحت عنوان «نمایندگی اصیل و پرمعنا» در نظام انتخاباتی شهرت دارد. لذا، هدف اساسی پژوهش تاثیر این قاعده در تحقق مفهوم حاکمیت ملی و نمایندگی پرمعنا از طریق ارزیابی نتایج انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی با تاکید بر شهر تهران و با روش آماری، احراز شاخص مشارکت و توصیفی-تحلیلی است. در این راستا، این پرسش بنیادین مطرح می‌شود که آیا نظام انتخاباتی و نتایج انتخابات دوره یازدهم مجلس در انطباق با قاعده اکثریت و نمایندگی پرمعنا و اصیل قرار دارد؟ فرض بر این است که به دلیل اتخاذ نظام انتخاباتی و شیوه رای‌گیری نامتجانس اکثریت ساده و تناسبی ساده غیرحزبی (حدنصاب یک‌پنجم حاضران) در مرحله اول و تمرکز بر اکثریت نسبی حاضرین در مرحله دوم و عدم

وجود سازوکارهای تضمین مشارکت حداکثری شهروندان، نظیر عدم تخصیص کرسی به همه ذینفعان اجتماعی، ترکیب مجلس منجر به حاکمیت اقلیت سیاسی بر اکثریت می‌شود، بنابراین از اصول قاعده اکثریت و نمایندگی پرمعنا تبعیت نمی‌نماید.

در راستای تحلیل موضوع پژوهش، ابتدا مفهوم قاعده اکثریت، سپس به شیوه رای‌گیری اکثریتی و با احراز شاخص مشارکت شهروندان از طریق استخراج نتایج آماری، نتایج به دست آمده در انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی در پرتو قاعده اکثریت و نمایندگی پرمعنا مورد آسیب‌شناسی و تحلیل قرار گرفته می‌شود.

۱- قاعده یا حاکمیت اکثریت^۱

زیست اجتماعی، تنوع اندیشه‌ها و اصالت داشتن اراده آزاد بشر همواره می‌تواند منشا بروز اختلافات را فراهم نماید و در جامعه چنانچه هر فردی بخواهد بر اساس خودمختاری فردی و تبعیت از منافع شخصی با دیگران رفتار نماید، طبیعتاً جدال و چالش آغاز می‌شود و افراد در وضعیت تعارض اراده و منافع با یکدیگر قرار می‌گیرند. در طول تاریخ زندگی جمعی بشر، راهکارها و روش‌های زیادی برای جلوگیری از تنش، تعارض و بروز اختلافات، جنگ‌ها و رفع تنش‌ها در جهت حفظ نظم، امنیت، برقراری صلح، آرامش و صیانت از کرامت انسانی و حقوق بنیادین بشری مطرح و اجرا شده است که در میانه نظام‌های اقتدارگرا و مردم‌سالاری در نوسان بوده‌اند. یکی از مهمترین راهبردهای اساسی بشر در عصر جدید توسل به گفتمان زندگی جمعی، تصمیم‌گیری گروهی، مشارکت همه، تساهل و تحمل اندیشه‌ها، اشتراک‌پذیری منافع، محدود-سازی اراده آزاد به منافع مشترک، رعایت حقوق همدیگر و اتخاذ تصمیم براساس نظر جمع و احترام سایرین است که در گفتمان سیاسی و حقوقی امروزه به عنوان «قاعده اکثریت» شهرت یافته است. این قاعده بیانگر اقدامی جمعی در جهت ساماندهی اجتماعی و مدیریت کارآمد جامعه با مشارکت همه ذی‌نفعان در مسیر صلح و دستیابی به آرمان‌ها و سعادت بشری است تا جامعه در بستر اختلاف و تنش قرار نگیرد. با توسل به تصمیم‌گیری جمعی، همه احساس نمایند که خود-حاکم و خود-آیین و به طور جمعی در تعیین سرنوشت خود و مدیریت اجتماعی جامعه دخیل هستند و خارج از اراده جمعی خود، کسی بر آنها حکمرانی نمی‌نماید و تحت اجبار بیرونی غیر از اراده

جمعی خود نیستند. لذا «قاعده اکثریت نوعی رویه رای‌گیری جمعی در اجتماعات مشورتی و نهادهای انتخابی محسوب می‌شود». (Herod, 2007: 2)

قاعده اکثریت در گفتمان سیاسی اغلب در مقابل «اقلیت» به کار می‌رود. منظور از اقلیت در فرهنگ سیاسی، رقابت افراد و گروه‌هایی است که با برخورداری از حقوق برابر شهروندی برای جلب افکار عمومی فعالیت می‌کنند. گروه‌ها و یا افرادی که حمایت نصف + یک شهروندان را به دست می‌آورند، اکثریت مطلق و رقیبان آنان اقلیت مطلق نامیده می‌شوند. (صالحی، ۱۳۸۳: ۳۰-۷۵) ویژگی اصلی اقلیت و اکثریت سیاسی، تحول دایمی و بی‌ثباتی است. با درک آزادی اراده و اندیشه و اصالت حاکمیت همه، امکان جابه‌جایی اکثریت با اقلیت در آینده وجود دارد و اساس قاعده اکثریت بر لزوم چرخش صلح‌آمیز قدرت برای انعکاس همه اندیشه‌ها و دگراندیشان در جامعه است. پس مفهوم قاعده اکثریت در ساماندهی و مدیریت اجتماع با استفاده از نظام تصمیم‌سازی جمعی و سازوکار انتخابات معنا پیدا می‌کند که به موجب آن گروهی از افراد در فرایند تصمیم‌گیری جمعی با حضور همه بازیگران اجتماعی به طور موقت قدرت را به دست گرفته و پس از دوره‌ای محدود نمایندگی، قدرت را در اختیار سایرین یا سایر گروه‌های اقلیتی قرار می‌دهند و این فرایند و بازی چرخش قدرت، صلح و سازش را در جامعه برقرار می‌نماید. در نگرش اسلامی، این قاعده در جهت «نظرخواهی، مصلحت‌اندیشی و تشخیص مصالح عمومی به کار می‌رود». (ر.ک. یثربی، ۱۳۹۰: ۳۲۴ و موسویان، ۱۳۸۹: ۱۴-۲۴) در عمل، اجرای حاکمیت مردم در نظام مردم‌سالار از طریق قاعده بنیادین «اکثریت» است؛ یعنی هنگامی که به موضوعی رای داده می‌شود، طرف بیشتر، برنده رای‌گیری است و از این جهت سازوکار رای اکثریت برای نظام تصمیم‌گیری جمعی اعم از انتخابات یا موضوعات دیگر اتخاذ می‌شود. پس هنگامی که از عبارت «مردم نظر می‌دهند»، یا «به اراده مردم باید احترام گذارده شود»؛ صحبت می‌شود، تحقق این مفاهیم وابسته به ابراز اراده مردم از طریق قاعده اکثریت است. «تصمیم‌گیری بر مبنای موافقت اکثریت مردم، عمدتاً حمایت از آنها را به دنبال دارد تا اقدام عیله آنها».

(Democracyweb, 2020: 2-3)

رای اکثریت صرفاً برای انتخاب مدیران و نمایندگانی است تا بر اساس قانون اساسی و حق‌های بنیادین همه شهروندان حتی گروه‌های اقلیت، با وضع قوانین و مقررات زندگی

اجتماعی را ساماندهی کند. قاعده کلی و شیوه زمامداری اکثریت اینگونه است که «باید در پی اتخاذ تصمیم، رویه و رفتاری باشد که اگر خود نیز در اقلیت بود، انتظار داشت اینگونه تصمیم گرفته می‌شد؛ چه بسا در انتخابات بعدی در اقلیت قرار گیرد. پس باید با حفظ منافع همه، حتی اقلیت حکمرانی نماید. برای جلوگیری از حاکمیت یکدست اکثریت بهتر است که محتوای اکثریت و مجالس از اتحاد و ائتلاف اکثر احزاب و انجمن‌ها تشکیل شود تا منجر به دیکتاتوری و اقتدارگری اکثریت یکدست نشود. به عبارتی، اکثریت اقلیت‌ها و ائتلاف گروه‌های نامتجانس در مجلس اکثریت را تشکیل دهد». (Democracyweb, 2020: 3-7) «تصمیمات حاصله از قاعده اکثریت باید تحت نظارت و کنترل قرار گیرد چه بسا موجب سوءاستفاده و تضییع حقوق دیگران شود و تبدیل به اقتدارگرایی اکثریت علیه اقلیت شوند». (Patrick, 2006: 56-70) به موجب این قاعده به اراده همه مردم، بازیگران و ذینفعان احترام گذاره می‌شود و همه آنها احساس می‌کنند که در فرایند تصمیم‌گیری حضور و نقش فعالی دارند و خود را با تار و پود تصمیم اتخاذی همسو و همرا می‌کنند.

در مجموع، قاعده اکثریت در نظام مردم‌سالار چند مولفه اصلی دارد: «۱- یک سازوکار شفاف برای نظام تصمیم‌گیری جمعی و بر اساس مشارکت عامه مردم یا ذینفعان گروهی
۲- احراز حدنصاب اکثریت (۱+۵۰) ۳- تبعیت از قوانین اکثریت ۴- احترام به حقوق اقلیت
۵- تشکیل نهادی از تمام ذینفعان مجموعه ۶- تبعیت اکثریت از قانون اساسی ۶- امکان جابه‌جایی قدرت با تصمیم مجدد اکثریت ۸- اعمال سازوکار کنترل و پاسخگویی بر تصمیمات اکثریت». تصمیم‌سازی بر اساس این حد نصاب (۱+۵۰) عمدتاً در جهت تحقق هدفی جمعی، مدیریت و ساماندهی زندگی اجتماعی و رفع اختلافات در امور اجتماعی به کار می‌رود.

۲- نظام انتخاباتی اکثریتی و انتخابات مجلس شورای اسلامی

۲-۱- انتخابات اکثریتی

تحقق حاکمیت مردم و قاعده اکثریت مستلزم طراحی سازوکار و روشی کارآمد است تا اراده عموم بتواند بر خود حکمرانی نماید و نظام سیاسی بر اساس رضایت و مشارکت عامه مردم اداره شود و امروزه سازوکار این مهم انتخابات می‌باشد. انتخابات بر اساس حق رای و

اراده آزاد بشر و اصل خودمختاری بنا نهاده می‌شود و در مدیریت نوین اجتماعی از طریق شرکت در نظام مشارکت جمعی و رای‌دهی، قاعده اکثریت جلوه عملی به خود می‌دهد. پس، سازوکار اجرایی قاعده اکثریت در نظام مردم‌سالار پدیده انتخابات و نظام اخذ رای است. در تقسیم‌بندی مرسوم از نظام‌های انتخاباتی «نظام رای‌گیری به دو دسته مهم «اکثریتی و تناسبی» طبقه‌بندی می‌شوند (ر.ک. رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱؛ فارل، ۱۳۹۲) که هر کدام دارای دسته‌بندی‌های مختلفی است. تمرکز در این پژوهش بر نظام اکثریتی و شیوه احراز مفهوم اکثریت با توسل به قاعده اکثریت است. در هر کدام از نظام‌های انتخاباتی ملاک و معیاری برای تعیین برنده یا برندگان تعیین می‌شود که در اصطلاح انتخاباتی به «حد نصاب» مشهور است. حد نصاب‌های انتخاباتی بر حسب ماهیت و ساختار نظام انتخاباتی و ترکیب مجلس و نظام حزبی یا غیرحزبی متفاوت خواهد بود. لذا هر نظام انتخاباتی حد نصاب مخصوص به خود را دارد.

حدنصاب یا آستانه انتخاباتی کمترین میزان رأی است که یک حزب یا شخص برای ورود به پارلمان باید کسب کند. مثلاً در آلمان حد نصاب انتخاباتی ۵ درصد تعریف شده است و احزابی که موفق به کسب این میزان رأی نشوند در پارلمان جایی ندارند. این قانون سبب شده است که معمولاً فقط حدوداً ۵ یا ۶ حزب موفق به ورود به پارلمان شوند. (Man-gasarian, 2013: 5) «حد نصاب انتخاباتی در ترکیه برای احزاب ۱۰ درصد و در فرانسه ۱۲/۵ است». (عباسی، ۱۳۸۸: ۲۴۵) در نظام انتخاباتی پارلمان در ایران، حد نصاب‌های نصف + یک، یک سوم، یک چهارم، یک پنجم (به عنوان آخرین شیوه تعیین برنده) برای مرحله اول و اکثریت نسبی به هر میزان رای در مرحله دوم به موجب قانون انتخابات مجلس و اصلاحات بعدی اتخاذ شده است.

نظام انتخاباتی اکثریتی، نظامی است که در آن ملاک تصمیم‌گیری جمعی، احراز رضایت و کسب نظر اکثر اعضای یک مجموعه یا نهاد است. در این نظام هر گزینه، یا موضوعی، یا فردی که دارای بیشترین تقاضا را داشته باشد به عنوان اندیشه برتر بر سایر موارد ارجحیت پیدا می‌کند و تبدیل به قانون حاکم یا تصمیم جمعی می‌شود. اجرای قاعده اکثریت در قالب نظام رای‌گیری اکثریتی «جامعه یا مجموعه را در مقابل هرگونه اقتدارگری، زورگویی، یکتا‌سالاری، تک‌صدایی، اقلیت غیرمردم‌سالار بیمه می‌نماید». (Vermeule, 2007: 643-658)

شیوه‌های اجرایی نظام انتخاباتی اکثریتی در قالب‌های مختلفی پیاده‌سازی می‌شود که دارای قواعد و اصول کلی مشترکی هستند اما در محاسبه و حد نصاب و تا حدودی روش اجرا با هم تفاوت‌هایی دارند. به‌طور خلاصه مصادیق نظام انتخاباتی اکثریتی عبارتند از: «۱- اکثریت ساده: 2 (نصف + ۱ اعضای حاضرین) ۲- اکثریت مطلق: 3 (نصف + ۱ از کل اعضای مجموعه یا واجدین شرایط)» (ر.ک. ایمی، ۱۳۹۶)

۲-۲- نظام رأی‌گیری اکثریتی انتخابات مجلس شورای اسلامی

با مطالعه سیر تحولات نظام اکثریت در قوانین انتخاباتی مجلس از ابتدای انقلاب اسلامی، سه قانون در سال‌های ۱۳۵۸، ۱۳۶۲، ۱۳۷۸ و با اصلاحاتی در دوره‌های مختلف را می‌توان ذکر نمود. در همه این قوانین، نظام انتخاباتی مجلس اکثریتی دو مرحله‌ای بوده و تغییر بنیادینی نداشته است و فقط حد نصاب با اکثریت مطلق آراء (نصف به علاوه یک کل آرای ماخوذه در هر حوزه انتخابیه) برای مرحله اول در قانون سال ۱۳۵۸ شروع شده و با تقلیل حد نصاب به یک سوم در قانون سال ۱۳۶۲ و یک چهارم در سال ۱۳۷۸ و اصلاحیه ۱۳۹۵ یک پنجم ادامه یافته است. اما میزان اکثریت نسبی در مرحله دوم در همه قوانین انتخاباتی مجلس بدون تغییر باقی مانده است. لذا حد نصاب برای مرحله اول روند نزولی داشته است. (ر.ک. سائلی‌ده‌کرده، ۱۳۷۸؛ هاشمی و مختاری، ۱۳۹۰؛ احمدی، ۱۳۸۹؛ خرمشاد و رفیعی قهساره، ۱۳۹۷: ۹۹) آخرین تغییر نظام انتخاباتی به موجب اصلاحیه قانون انتخابات مجلس در تاریخ سوم خردادماه ۱۳۹۵ به شرح ذیل می‌باشد:

ماده ۸ (اصلاحی): «در انتخابات مجلس شورای اسلامی فرد منتخب در مرحله اول انتخابات، باید حداقل بیست درصد (۲۰٪) از کل آرا را کسب نماید و انتخاب در مرحله دوم و همچنین انتخابات میان‌دوره‌ای با کسب اکثریت نسبی به هر میزان است».

بر اساس تبصره ۳ ماده ۹ (الحاقی ۱/۱۲/۱۳۸۶): «آرای باطل مأخوذه، در حد نصاب انتخاب نماینده، موضوع ماده (۸) این قانون، محاسبه نمی‌گردد». لذا ملاک انتخاب منتخب، کسب بیست درصد از آراء صحیح است نه کل آراء ماخوذه آن حوزه انتخابیه». به عبارت دقیق‌تر، برای تجمع و اعلام اسامی منتخب یا منتخبین انتخابات، آراء نامزدها بر تعداد آراء صحیح حوزه انتخابیه تقسیم و درصدگیری خواهد شد.

۳- ابعاد مهم انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی

انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ دوم اسفندماه ۱۳۸۹ با حضور ۴۲/۵۷ درصد از واجدین شرایط رای برگزار شد (گزارش رسمی وزارت کشور) که در مقایسه به دوره‌های قبل کمترین درصد مشارکت را داشته است. (قبلا مجلس پنجم با مشارکت ۷۱ درصد رکورددار و مجلس هفتم با ۵۱ درصد کمترین نرخ مشارکت داشته است) در مجموع ۲۴ میلیون و ۵۱۲ هزار و ۴۰۴ نفر (۴۸ درصد بانوان و ۵۲ درصد آقایان) در انتخابات شرکت کردند، واجدین شرایط رای ۵۷ میلیون و ۹۱۸ هزار و ۱۵۹ نفر بودند و ۲ میلیون و ۹۳۱ هزار نفر رای اولی بود. از ۲۰۸ حوزه انتخابیه، ۲۰۳ حوزه انتخابیه، ملی محسوب می‌شوند و ۵ حوزه انتخابیه هم مربوط به اقلیت‌های دینی است، همچنین ۱۷۴ حوزه انتخابیه هم تک‌نماینده هستند. (گزارش رسمی وزارت کشور) کمترین مشارکت در استان تهران که ۲۶ درصد بود و بعد از آن استان‌های البرز با ۲۸، کردستان با ۳۱ و اصفهان با ۳۶ درصد قرار دارند و بیشترین نرخ مشارکت متعلق به استان کهگیلویه و بویراحمد با ۷۱ درصد بود. گرایش سیاسی نمایندگان مجلس یازدهم عبارتند از: ۲۲۱ نماینده اصولگرا، حدود ۱۹ نفر اصلاح طلب و اعتدال‌گرا، ۳۴ نفر مستقل، ۱۱ نفر در مرحله دوم (که در ۸ حوزه، اصولگرایان به ترکیب مجلس اضافه شدند) و ۵ نفر اقلیت‌های دینی. اصولگرایان تقریباً موفق شدند اکثریت خاص بیش از سه چهارم از کل کرسی‌ها را کسب کنند که تاکنون مجلس فاقد چنین اکثریت برتری بوده است.

با بررسی مختصر آمار میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس به نظر می‌رسد، برخی از مردم از وضعیت موجود در کشور رضایت نداشته باشند و همچنین ناکارآمدی دولت در تامین برخی زیرساخت‌های کشور در کنار عوامل دیگر، نتوانسته است قاعده اکثریت مطلق را در ترکیب نمایندگان منتخب محقق نماید، لذا زمینه تحقق مفهوم «نماینده‌گی پر معنا و کارآمد» فراهم نشده است.

۳-۱- نتایج انتخابات استان تهران و شهر تهران

شاخص نتایج کلی انتخابات در استان تهران و شهر تهران در نمای کلی به شرح ذیل قابل اشاره است:

۱- کل واجدین شرایط رای استان تهران: ۹ میلیون و ۶۴۴ هزار و ۹۸۱ نفر

- ۲- کل افرادی که در استان تهران شرکت نکرده‌اند: ۷۱۰۵۲۱۸ - معادل ۷۳/۶۶ درصد
- ۳- کل واجدین شرایط رای شهر تهران: ۷ میلیون و ۱۷۳ هزار نفر
- ۲- کل افرادی که در شهر تهران شرکت نکرده‌اند: ۵۳۳۱۱۰۹ نفر - معادل ۷۴/۳۲ درصد
- ۴- کل شرکت کنندگان در استان تهران: ۲ میلیون و ۵۳۹ هزار و ۷۶۳ نفر - معادل ۲۶/۳۴ درصد
- ۵- کل شرکت کنندگان شهر تهران: یک میلیون و ۸۴۱ هزار و ۸۹۱ نفر از شهر تهران - معادل ۲۵/۶۸ درصد
- ۶- کل رای برندگان در استان تهران: ۱۵۱۰۶۵۵ رای
- نتایج انتخابات مجلس یازدهم در کل استان‌ها جهت احراز شاخص نمایندگی پر معنا و اصیل و سنجش میزان درصد مجموع آراء منتخبین به نسبت کل واجدین شرایط را در قالب جدول شماره (۱) می‌توان مشاهده نمود.

جدول شماره (۱) - نمایندگی پر معنا و اصیل

- *در حوزه‌های چند کرسی ملاک نفر اول در نظر گرفته شده است. مثل تهران
- *در حوزه‌های چند کرسی اگر برندگان از طیف‌های مختلف بوده‌اند آراء همه آنها ملاک قرار گرفته شده است.
- *در حوزه‌هایی که به دور دوم کشیده شده آراء نفر برتر در دور اول ملاک قرار گرفته شده است.

ردیف	استان	تعداد کرسی	واجدین شرایط رأی استانی	آرای مأخوذه صحیح استانی	درصد شرکت کنندگان	مجموع آراء منتخبین استان	درصد منتخبین به واجدین شرایط استانی
۱	آذربایجان شرقی	۱۹	۲/۹۷۷/۸۹۶	۱۲۹۶۹۴۴	۴۳	۵۰۹۴۰۲	۱۷/۱۰
۲	آذربایجان غربی	۱۲	۲/۳۷۹/۶۵۶	۱۱۲۳۵۶۷	۴۷	۴۲۵۰۳۶	۱۷/۸۶
۳	اردبیل	۷	۹۷۴۶۲۵	۴۸۹۵۸۰	۵۰	۲۲۲۱۰۵	۲۲/۷۸
۴	اصفهان	۲۰	۳۶۰۳۵۳۹	۱۳۱۱۴۳۷	۳۶	۶۴۷۱۳۳	۱۷/۹۵
۵	البرز	۳	۱۷۵۰۵۹۰	۴۹۶۵۲۲	۲۸	۱۹۲۶۱۱	۱۱/۰۰
۶	ایلام	۳	۴۵۹۷۶۳	۲۷۲۱۵۷	۵۹	۷۹۳۰۶	۱۷/۲۴
۷	بوشهر	۴	۷۸۳۳۳۲	۳۶۶۸۲۹	۴۷	۱۳۳۷۰۵	۱۷/۰۷
۸	تهران	۳۵	۹۶۴۴۹۸۱	۲۵۳۹۷۶۳	۲۶	۱۵۱۰۶۵۵	۱۵/۶۶
۹	چهارمحال بختیاری	۴	۷۳۲۳۰۴	۳۳۲۵۹۱	۴۵	۱۰۸۹۶۵	۱۴/۸۷
۱۰	خراسان جنوبی	۴	۵۶۴۰۰۹	۲۷۲۸۱۲	۴۸	۱۴۹۴۸۱	۲۶/۵۰

۱۵/۷۱	۷۱۹۱۵۴	۴۸	۲۱۷۴۵۳۵	۴۵۷۶۲۳۵	۱۸	خراسان رضوی	۱۱
۲۵/۵۹	۱۶۸۵۰۳	۵۳	۳۵۲۱۲۶	۶۵۸۳۴۲	۴	خراسان شمالی	۱۲
۱۳/۳۳	۴۷۵۹۱۹	۴۲	۱۵۱۱۷۷۵	۳۵۶۹۷۴۹	۱۸	خوزستان	۱۳
۱۵/۹۰	۱۲۷۶۷۲	۴۸	۳۸۸۱۹۵	۸۰۲۷۳۷	۵	زنجان	۱۴
۱۷/۶۲	۹۰۶۴۵	۴۷	۲۴۴۱۰۵	۵۱۴۱۹۷	۴	سمنان	۱۵
۲۴/۷۷	۴۰۶۵۶۱	۶۰	۹۸۷۵۴۸	۱۶۴۱۳۱۴	۸	سیستان و بلوچستان	۱۶
۱۸/۴۶	۶۵۳۱۳۸	۴۴	۱۵۵۳۹۰۲	۳۵۳۶۷۴۲	۱۸	فارس	۱۷
۱۸/۶۴	۱۷۲۵۵۸	۴۲	۳۹۰۴۵۵	۹۲۵۴۷۸	۴	قزوین	۱۸
۲۶/۴۱	۲۱۸۳۱۵	۴۳	۳۵۵۶۰۰	۸۲۶۳۷۲	۳	قم	۱۹
۸/۸۵	۱۰۹۵۷۳	۳۱	۳۸۱۳۳۷	۱۲۳۷۸۹۵	۶	کردستان	۲۰
۳۲/۲۵	۶۸۵۸۴۲	۵۱	۱۰۸۹۷۰۴	۲۱۲۶۳۵۲	۱۰	کرمان	۲۱
۱۲/۸۹	۱۹۹۴۵۹	۴۳	۶۶۲۲۵۲	۱۵۴۶۳۷۲	۸	کرمانشاه	۲۲
۳۳/۳۰	۱۸۱۰۹۸	۷۱	۳۷۷۵۶۶	۵۴۳۶۹۶	۳	کهگیلویه و بویر احمد	۲۳
۱۶/۲۶	۲۱۷۴۷۸	۵۷	۷۶۱۰۲۰	۱۳۳۷۲۳۲	۷	گلستان	۲۴
۱۴/۴۰	۲۸۵۹۸۲	۴۱	۸۲۰۲۹۸	۱۹۸۵۴۷۳	۱۳	گیلان	۲۵
۱۷/۶۵	۲۶۱۴۶۵	۴۷	۶۹۰۸۸۸	۱۴۸۰۶۴۴	۹	لرستان	۲۶
۱۷/۵۸	۴۲۸۰۴۵	۴۶	۱۱۱۱۱۶۶	۲۴۳۴۷۴۲	۱۲	مازندران	۲۷
۱۵/۵۴	۱۶۷۶۴۲	۴۰	۴۲۸۰۵۸	۱۰۷۸۳۶۷	۷	مرکزی	۲۸
۲۶/۰۰	۳۰۵۲۵۶	۵۲	۶۱۱۰۸۳	۱۱۷۴۱۶۴	۵	هرمزگان	۲۹
۱۸/۵۰	۲۵۹۹۰۱	۴۵	۶۲۸۴۳۵	۱۴۰۴۷۳۰	۹	همدان	۳۰
۲۳/۳۲	۱۶۸۵۴۸	۴۸	۳۴۵۸۵۴	۷۲۲۵۵۷	۴	یزد	۳۱
۱۶/۹۴	۹۸۱۵۷۰۳	۴۲/۵۷	۲۴۵۱۲۴۰۴	۵۷۹۱۸۱۵۹	۲۸۵	مجموع	
<p>اقلیت‌های دینی- بر مبنای آراء مأخوذه صحیح- به دلیل نداشتن آمار کل واجدین شرایط- کل اقلیت‌ها هم در جمع بالا محاسبه شده است</p>							
-	-	۹۸/۶۱	۳۴۸۶	۳۵۳۵	۱	زرتشتیان	۱
-	-	۷۴/۷۵	۱۲۶۱	۱۶۸۷	۱	کلیمیان	۲
-	-	۶۶/۲۱	۳۴۹۳	۵۲۷۵	۱	ارامنه شمال	۳
-	-	۴۲/۹۴	۱۰۷۱	۲۴۹۴	۱	آشوری و کلدانی	۴
-	-	۷۴/۶۶	۱۱۵۸	۱۵۵۱	۱	ارامنه جنوب	۵
-	-	۷۱/۱۰	۱۰۴۶۹	۱۴۵۴۲	۵	مجموع	

جدول شماره (۲) - نتایج انتخابات استان تهران و شهر تهران

درصد نفر	درصد	درصد	میزان	درصد	کل آراء	واجدین	درصد	کل آراء	درصد	شرکت	شرکت	واجدین
دوم تهران	نفر اول	نفر اول	رای نفر	شرکت	مأخوذه	شرایط	منتخبین	مأخوذه	شرکت	استانی	کندگان	شرایط
به شرکت	تهران به	تهران به	اول تهران	تهران	صحیح	تهران	به	صحیح	استانی		استانی	استانی
کندگان	واجدین	واجدین			تهران		واجدین	منتخبین	استانی			
تهران	تهران	استان					استانی	استانی				
۶۸/۶۹	۱۷/۶۳	۱۳/۱۱	۱۲۶۵۲۸۷	۲۵/۶۸	۱۸۴۱۸۹۱	۷۱۷۳۰۰۰	۱۵/۶۰	۱۵۱۰۶۵۵	۲۶/۳۳	۲۵۳۹۷۶۳	۹۶۴۴۹۸۱	

جدول شماره (۳) - نتایج شهر تهران - نفر دوم (مصطفی میرسلم) و نفر سی ام (عزت الله تالارپشتی)

درصد نفر	درصد نفر	میزان رأی	درصد نفر	درصد نفر	میزان رأی	درصد	کل آراء	واجدین
سی ام تهران	سی ام تهران	نفر سی ام	دوم تهران	دوم تهران	نفر دوم	شرکت	مأخوذه	شرایط
به شرکت	به واجدین	تهران	به شرکت	به واجدین	تهران	تهران	صحیح	تهران
کندگان	تهران		کندگان	تهران			تهران	
تهران			تهران					
۳۴/۸۶	۸/۹۵	۶۴۲۲۱۴	۴۸/۴۴	۱۲/۴۳	۸۹۲۳۱۸	۲۵/۶۸	۱۸۴۱۸۹۱	۷۱۷۳۰۰۰

به منظور ارزیابی جایگاه و موقعیت منتخبین شهر تهران نسبت به واجدین شرایط استانی و شهر تهران و مقایسه با موقعیت مشابه منتخبین در مجلس دهم به چند نمونه به شرح ذیل اشاره می شود:

*نفر اول - محمد باقر قالیباف: ۱۲۶۵۲۸۷ رای

الف- نسبت به کل شرکت کنندگان در شهر تهران ۶۸/۶۹ درصد

ب- نسبت به کل شرکت کنندگان استان تهران ۴۹/۹۰ درصد

ج- نسبت به کل واجدین شرایط استان تهران: ۱۳/۱۱ درصد

د- نسبت به کل واجدین شرایط شهر تهران: ۱۷/۶۳ درصد

*نفر دوم - مصطفی میرسلم: ۸۹۲۳۱۸ رای

الف- نسبت به کل شرکت کنندگان در شهر تهران: ۴۸/۴۴ درصد

ب- نسبت به کل شرکت کنندگان در استان تهران: ۳۵/۱۹ درصد

ج- نسبت به کل واجدین شرایط استان تهران: ۹/۲۵ درصد

د- نسبت به کل واجدین شرایط شهر تهران: ۱۲/۴۳ درصد

*نفر سی ام - عزت الله تالارپشتی: ۶۴۲۲۱۴ رای (رای وی تقریباً معادل نفر آخر لیست

اصولگرایان در دوره دهم، آقای محمد ناظمی اردکانی با ۶۲۶۸۲۵ رای - ۱۹/۳۰ درصد می‌باشد)

الف- نسبت به کل شرکت کنندگان در شهر تهران: ۳۴/۸۶ درصد

ب- نسبت به کل شرکت کنندگان در استان تهران: ۲۵/۳۲ درصد

ج- نسبت به کل واجدین شرایط استان تهران: ۶/۶۵ درصد

د- نسبت به کل واجدین شرایط شهر تهران: ۸/۹۵ درصد

*نمونه آراء برخی نمایندگان مجلس دهم

اصلاح طلبان:

۱- محمدرضا عارف: نفر اول اصلاح طلبان با ۱۶۰۸۹۲۶ رای معادل ۵۵/۲۶ درصد

۳۰- عبدالرضا هاشم زایی: نفر سی‌ام اصلاح طلبان با ۱۰۷۸۸۱۸ رای معادل ۳۳/۲۲ درصد

اصولگرایان:

۱- غلامعلی حداد عادل: نفر اول اصولگرایان با ۱۰۵۷۶۳۹ رای معادل ۳۲/۵۷ درصد

۲- مرتضی آقانهانی: نفر دوم با ۸۸۰۳۴ رای معادل ۲۷/۲۲ درصد

۳۰- آقای محمد ناظمی اردکانی نفر سی‌ام با ۶۲۶۸۲۵ رای معادل ۱۹/۳۰ درصد

بررسی آمار و اعداد مربوط به تعداد آراء یازدهمین دوره انتخابات مجلس در شهر تهران نشان می‌دهد، اصولگرایان صدرصد کرسی‌ها را کسب نموده‌اند و از طرفی هیچ‌کدام از اصلاح طلبان بیش از ۱۰۰ هزار رأی کسب نکرده‌اند. برخی چهره‌های شاخص اصلاح طلب که در رتبه‌های ۳۴ به بعد هستند می‌توان به مجید انصاری با ۶۹ هزار و ۱۵۱ رأی، سهیلا جلودار زاده با ۶۷ هزار و ۸۲۰ رأی و مصطفی کواکبیان با ۶۱ هزار و ۳۹۶ رأی اشاره کرد. آراء اصلاح طلبان در مجلس یازدهم نشان می‌دهد که سرلیست آن‌ها ۶۹۱۵۱ رای و عنوان نفر ۳۴ ام را کسب کرده است که به نسبت به واجدین شرایط شهر تهران ۰/۹۶ درصد (کمتر از یک درصد) می‌باشد. در حالی که آقای محمدرضا عارف سرلیست اصلاح طلبان در دوره دهم ۱۶۰۸۹۲۶ رای، معادل ۵۵/۲۶ درصد آراء را کسب نمود. در ارزیابی و تحلیل موضوع می‌توان عنوان نمود که شهروندانی که به جریان اصلاحات در دوره دهم رای داده بودند در انتخابات شرکت نکرده‌اند. با مقایسه آراء آقای انصاری در دوره یازدهم و آقای عارف در دوره دهم، از ۱۶۰۸۹۲۶ رای اصلاح طلبان در تهران، حدود ۱۵۳۹۷۷۵ رای

کم شده است. این کاهش بسیار شدید گویای عدم شرکت کامل طرفداران اصلاح‌طلبان در انتخابات یازدهم است. به عبارتی ۹۵/۷۰ درصد از طرفداران آنها در انتخابات تهران مشارکت نداشته‌اند.

۲-۳- ارزیابی و تحلیل موضوع: نفر اول انتخابات در شهر تهران آقای قالیباف است که مورد اعتماد طیف مذهبی و افراد دیگری هم قرار می‌گیرد اما با احتساب رای نفر دوم لیست اصولگرایان می‌توان به حد نصاب و شاخصه رای اصولگرایان رسید که آقای میرسلیم با ۸۹۲۳۱۸ رای است. نفر دوم لیست اصولگرایان در دور دهم، آقای مرتضی آفانهرانی است با ۸۶۸۰۲۵ رای، معادل ۴۷/۱۲ درصد. میزان رای وی در مجلس دهم به عنوان نفر دوم ۸۸۴۰۳۴ معادل ۲۷/۲۲ درصد می‌باشد که در مقایسه با رای آقای میرسلیم در دوره یازدهم ۸ هزار رای افزایش داشته است. نفر آخر لیست اصولگرایان (یعنی ۳۰ ام) آقای عزت‌الله تالارپشتی: ۶۴۲۲۱۴ رای معادل ۳۴/۸۰ درصد است و در مقایسه با نفر آخر لیست اصولگرایان در دوره دهم (یعنی نفر ۶۰ ام) آقای محمد ناظمی اردکانی با ۶۲۷۸۲۵ رای معادل ۱۹/۳۰ درصد، یعنی حدود ۱۶ هزار رای بیشتر کسب کرده است.

تعداد آراء اصولگرایان در دوره یازدهم نشان می‌دهد از که طرفداران ثابتی برخوردارند که عمدتاً از افراد مذهبی و وفادار به آرمان‌های انقلاب، نظام جمهوری اسلامی و ولایت مطلقه فقیه هستند که تحت هر شرایطی در انتخابات شرکت می‌کنند و مبنای شرکت آنها ماهیت شرعی، تکلیفی و تلفیقی از حق و تکلیف دارد و بر این اعتقادند که نقش شرکت در انتخابات امنیت ملی و ثبات سیاسی ایجاد می‌کند و مهمتر از همه تبعیت از فرامین و دعوت مراجع تقلید و ولی فقیه است و همچنین عمل به فرموده حضرت امام (ره) که حفظ نظام از اوجب واجبات است. با شرکت در انتخابات و انجام تکلیف شرعی و شهروندی، در مسیر حفظ نظام و جامعه اسلامی گام برمی‌دارند. لذا این فرض محتمل است که اگر طرفداران اصلاح‌طلبان با همان میزان رای آقای عارف در انتخابات شرکت می‌کردند مجدداً می‌توانستند ۳۰ کرسی شهر تهران را تصاحب نمایند. با وجود آنکه فهرست اصولگرایان پیروز انتخابات تهران شد، اما بررسی آراء منتخبان مجلس دهم و یازدهم نشان می‌دهد که محمدرضا عارف در انتخابات دور قبل، با کسب یک میلیون و ۶۰۸ هزار و ۹۲۶ رای، جایگاه اول را کسب کرده بود و علی‌مطهری نیز با یک میلیون و ۴۴۷ هزار و ۷۱۳ رای، نفر

دوم منتخبان مجلس دهم از تهران شده بود. همچنین این مقایسه نشان می‌دهد که تعداد آرای نفر دوم انتخابات مجلس یازدهم یعنی مصطفی میرسلیم، حتی به تعداد آرای عبدالرضا هاشم‌زایی که آخرین منتخب تهران برای انتخابات مجلس دهم بود، هم نمی‌رسد. در انتخابات مجلس دهم عبدالرضا هاشم‌زایی با یک میلیون و ۷۸ هزار و ۸۱۷ رای، نفر سی‌ام تهران شده بود. این در حالی است که عزت‌الله اکبری تالارپشتی نفر آخر تهران در دوره یازدهم، با کسب ۶۴۲ هزار و ۲۱۴ رای توانسته است به عنوان نفر آخر اصولگرایان وارد مجلس شود.

در استان تهران حدود ۷۱۰۹۴۲۷ نفر از کل واجدین شرایط معادل ۷۳/۷۲ درصد در انتخابات شرکت نکرده‌اند. این تعداد نسبت به دوره های قبل و در مقایسه با سایر استان ها بسیار کم است. حال این سوال مطرح می‌شود که چرا حدود سه‌چهارم شهروندان استان تهران تمایلی به رای دادن نداشته‌اند، نیازمند پژوهش‌های مفصل دیگری است.

۴- تحلیل و سنجش نتایج انتخابات دوره یازدهم بر اساس معیارهای نظام انتخاباتی مطلوب و قاعده اکثریت

در تحلیل و ارزیابی نتایج انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی با تمرکز بر استان و شهر تهران از اصول، قواعد، معیارها و ملاک‌های نظام انتخاباتی و حوزه‌بندی انتخاباتی کارآمد و مطلوب به عنوان رویه و رویکرد سنجش نتایج استفاده می‌شود.

۴-۱- نمایندگی پر معنا و اصیل

پارلمان عصاره اراده ملت است و باید انعکاس‌دهنده تمام اندیشه‌ها و افکار دارای پایگاه اجتماعی معقول باشد. در واقع، ترکیب نمایندگان منتخب آینه تمام نمای ملت و به مثابه روح جمعی مردم است که گویی وصف نمایندگی بیان‌کننده اراده جمع شده عموم و شکل تجمیع شده اراده تک تک همه شهروندان است و ترکیب نمایندگان منتخب چیزی جدا از تعداد کل اعضای جامعه نیست. لذا اصل نمایندگی در پرتو نظریه حاکمیت ملی موجه‌سازی می‌شود و حاکمیت ملی، یعنی یک مجموعه تفکیک‌ناپذیر از اعضای بهم پیوسته کل جامعه است و هر کدام قطعه‌ای از حاکمیت را در به طور برابر در اختیار دارند و با شرکت در انتخابات و تعیین سرنوشت اجتماعی، مفهوم جمعی حاکمیت ملی را تکمیل می‌نمایند و لازمه تکمیل شدن آن، حضور حداکثری شهروندان است و هرچه مشارکت بیشتر شود این

مفهوم واحد کاملتر و برعکس، هر چه مشارکت کمتر شود ناقص‌تر و کم رنگ‌تر می‌شود و بر اساس قاعده اکثریت در صورت کمتر شدن از ۵۰ درصد، اصلاً حاکمیت ملت و اصل نمایندگی واقعی محقق نمی‌شود و ترکیبی کاملاً ناقص از روح جمعی است. اما در صورت مشارکت بیش از ۵۰ درصد شرط لازم تکمیل تصویر واحد حاکمیت ملت و روح جمعی فراهم می‌شود اما شرط کافی این است که نزدیک به صد درصد شود تا نظریه حاکمیت ملی و در نتیجه نمایندگی اصیل و پر معنا محقق شود.

لازمه تکمیل شدن روح جمعی ملت در قالب مفهوم اصیل حاکمیت ملی، این است که نظام انتخاباتی بر اساس برابری فرصت همه گروه‌ها و بازیگران ذینفع و اکثر اقلیت‌های تنظیم شده باشد. به عبارتی، تمام گروه‌ها احزاب سیاسی، انجمن‌ها، تشکل‌ها و اقلیت باید فرصت حضور در انتخابات را داشته باشند و هر کدام که دارای پایگاه اجتماعی و سیاسی معقولی در جامعه داشته باشند باید کرسی‌هایی تضمین شده بر اساس حد نصاب مقرر در مجلس در اختیار داشته باشند تا شاهد ترکیبی از مجلس باشیم که آینه تمام نمای همه گروه‌ها و بازیگران ذینفع انتخاباتی باشیم و به عبارتی با رویکرد کثرت‌گرایی مجلس با ترکیبی از «اکثریت اقلیت‌ها و گروه‌های متکثر معقول» تاسیس شود. در چنین صورتی است که نمایندگی اصیل، پرمعنا و واقعی معنا پیدا می‌کند. چرا که روح جمعی در کالبد منتخبین دمیده شده است و ترکیب مجلس انعکاسی از اراده عمومی مردم و اکثریت ملت خواهد بود. با چنین وصفی از مفهوم نمایندگی اصیل و پرمعنا، نتایج انتخابات دوره یازدهم فاقد چنین وصفی خواهد بود. چرا که مطابق جدول شماره یک در خصوص شاخص پرمعنایی منتخبین به درصد بسیار پایینی می‌رسیم. بیشتر استان‌ها از معیار قاعده اکثریت (نصف+۱) خیلی کمتر هستند. به طور مثال استان کردستان با حدود ۸/۸۶ درصد در پایین‌ترین و استان کهگیلویه و بویراحمد با شاخص ۳۳/۳۰ درصد در بالاترین وصف نمایندگی پرمعنا قرار دارند. استان تهران نیز با ۱۵/۶۶ درصد یکی از کمترین‌ها است. این جدول نشان می‌دهد که شاخص نمایندگی پرمعنا همه استان‌ها از حد نصاب قاعده اکثریت (نصف بعلاوه یک) بسیار پایین‌تر هستند و در نتیجه هم اصل حاکمیت ملی و اصل نمایندگی پر معنا و واقعی محقق نشده است.

شاخص مجموع کل کشور جهت سنجش میزان نمایندگی اصیل و پر معنا ۱۶/۹۶ درصد

است که حتی از قاعده اکثریت (نصف بعلاوه یک)، ۸۳ درصد کمتر است. به عبارتی، ترکیب منتخبان مردم در دوره یازدهم انعکاس دهنده اکثریت مردم نیست و در عمل نماینده حدود ۱۷ درصد مردم می‌باشند. لذا چنین درصد پایینی قطعاً نمی‌تواند گویای وصف نمایندگی و تحقق حاکمیت ملت و قاعده اکثریت باشد. به طور مثال، در انتخابات شهر تهران شاخص نمایندگی پرمعنا و واقعی با استفاده از جدول شماره ۲، درصد بسیار پایینی را نمایش می‌دهد. نغراول - محمد باقر قالیباف: ۱۷/۶۳ درصد، نفر دوم - مصطفی میرسلیم: ۱۲/۴۳ درصد و نفر سی ام - عزت الله تالارپشتی: ۸/۹۵ درصد.

حال این چالش بزرگ هم قابل طرح است. اگر با چنین سازوکار انتخاباتی و شیوه اخذ رای، انتخابات آتی برگزار شود و در فرض مشارکت پایین مردم و حتی کمتر از دوره یازدهم، قطعاً شاخص نمایندگی پرمعنا و اصیل نزول خواهد کرد و بحرانی در مشروعیت و مقبولیت نظام فراهم خواهد نمود. لذا لازمه رخ ندادن چنین بحرانی انجام اصلاحات در محتوای نظام انتخاباتی، حد نصاب برنده شدن، حرکت به سمت شیوه‌های افزایش قانونمند مشارکت همه گروه‌ها، احزاب، انجمن‌ها، اقلیت‌ها و کلیه ذینفعان اجتماعی در قالب نظام انتخاباتی ترکیبی تناسبی و اکثریتی است.

۴-۲- حدنصاب معقول و باکیفیت برنده شدن

نظام رای‌گیری یا انتخاباتی مجلس شورای اسلامی بر اساس ماده ۸ اصلاحیه قانون انتخابات، نظام اکثریتی دو مرحله‌ای است. بدین توضیح که در مرحله اول حد نصاب ۲۰ درصد (یک پنجم) کل آراء ماخوذه صحیح ریخته شده به صندوق (حاضرین) برای برنده شدن ضروری است و در صورت عدم کسب حدنصاب مذکور، انتخابات با حضور دو برابر کرسی تخصیص یافته در مرحله دوم با اکثریت نسبی به هر میزان رای برگزار می‌شود. در مقام ارزیابی و سنجش چنین نظامی در پرتو قاعده اکثریت و انواع نظام‌های انتخاباتی، در چند ویژگی ذیل قابل توصیف است: «تلفیقی از نظام اکثریتی ساده و تناسبی ساده غیرحزبی (حدنصابی) در مرحله اول و اکثریت نسبی در مرحله دوم با نظام واحد برای مناطق تک حوزه و مناطق چند حوزه است».

الف- نظام اکثریتی ساده: نظام رای‌گیری از این منظر اکثریتی ساده است که: الف- حدنصاب ۲۰ درصد بر اساس اکثریت حاضرین و آراء ماخوذه صحیح تنظیم شده است نه

اکثریت کل واجدین شرایط ب- وصف اکثریت مطلق را نیز ندارد، چرا که قاعده اکثریت (نصف+۱) کل واجدین شرایط یا حاضرین مدنظر نیست و حدنصاب برنده شدن، کسب حداقل یک پنجم آراء ماخوذه صحیح حاضرین است که می‌تواند بسیار کمتر از قاعده اکثریت باشد و از این منظر نظام انتخاباتی ضمن مغایرت داشتن با اصول قاعده اکثریت موجبات نقض اصل نمایندگی پرمعنا و اصیل را فراهم می‌نماید. نتیجه این نوع رای‌گیری این خواهد بود که افرادی با کمترین رای می‌توانند کرسی‌های مجلس را تصاحب کنند؛ درحالی که نماینده اکثریت نیستند و به نوعی نماینده اقلیتی محسوب می‌شوند که بر اکثریت حکومت خواهند کرد. با ذکر مثالی می‌توان چالش و تعارض با اصول بنیادین انتخابات و قاعده اکثریت را نمایان ساخت.

بر اساس چنین نظام رای‌گیری، این فرض محتمل است که اگر در انتخابات آتی مجلس از ۶۰ میلیون نفر واجد شرایط رای به هر دلیلی تنها ۱۰ میلیون شهروند شرکت کنند، نمایندگان برنده با کسب حداقل ۲۰ درصد آراء ماخوذه صحیح؛ یعنی ۲ میلیون نفر، می‌توانند کل کرسی‌های مجلس را به دست بگیرند و بعداً در مقام نماینده کل ملت یعنی از طرف ۶۰ میلیون نفر قانونگذاری و نظارت بر امور عمومی نمایند. چنین حالتی قطعاً مغایر اصول نظام مردم‌سالار، حاکمیت ملی، قاعده اکثریت و نمایندگی اصیل خواهد بود.

ب- نظام تناسبی ساده غیرحزبی: نظام رای‌گیری از این منظر ویژگی تناسبی ساده غیرحزبی دارد که: الف- کاندیداها به طور مستقل در انتخابات نامزد می‌شوند و احزاب و گروه‌های ذینفع اجتماعی نمی‌توانند به صورت فهرستی در انتخابات شرکت کنند. ب- به دلیل اینکه در مرحله اول حدنصاب یک پنجم را مقرر داشته، شبیه نظام تناسبی است. چون در نظام تناسبی، احزاب بر حسب میزان و حدنصاب رای کسب شده صاحب کرسی می‌شوند. مثلاً در فرانسه حدنصاب برای کسب کرسی ۱۲/۵ درصد است، اگر حزبی بتواند این حدنصاب را کسب کند می‌تواند حداقل یک کرسی در پارلمان به دست آورد. لذا چنین نظامی دارای اشکالاتی است: اولاً، استفاده از شرط حدنصاب نظام تناسبی برای نظام اکثریتی مغایر اصول و قواعد نظام‌های انتخاباتی است، چون تعیین حدنصاب متفاوت از قاعده اکثریت (نصف+۱) است و صرفاً مختص نظام تناسبی حزبی است. ثانیاً، تعیین هر حدنصابی کمتر از قاعده اکثریت (نصف+۱) همچون یک سوم، یک چهارم، یک پنجم چه

بسا در آینده یک ششم نمی‌تواند تامین کننده نظام اکثریت و حاکمیت اکثریت ملت باشد. پس تعیین حدنصاب از این منظر معایر اصول انتخاباتی است. از طرفی در صورت عدم کسب یک پنجم در مرحله اول و برگزاری انتخابات در مرحله دوم هم باز نمی‌تواند تضمین کننده قاعده اکثریت باشد، چون در مرحله دوم اکثریت نسبی و به هر میزان رای است. ثالثاً، حدنصاب یک پنجم به دلیل ناتوانی در کسب قاعده اکثریت در عمل و در نتیجه انتخابات بسیار بی اثر یا کم اثر است و تفاوت چشمگیری حاصل نمی‌شود، پس در نتیجه نهایی با هم تفاوتی نخواهند داشت.

اگر قرار است نظام انتخابات با این روش و رویکرد حاضر به کار ادامه دهد و تغییری در نظام رای‌گیری داده نشود، در صورت کاهش مشارکت در انتخابات بعدی، شاهد حکومت اقلیت بر اکثریت خواهیم بود. لذا بهتر است انتخابات با روش یک مرحله‌ای و با همان اکثریت نسبی بدون تعیین حدنصاب برگزار شود. به طور مثال نفر سی‌ام شهر تهران آقای عزت‌الله تالارپشتی با ۶۴۲۲۱۴ رای، موفق به کسب حدنصاب یک پنجم در مرحله اول شده است، اما در عمل شاخص نمایندگی پرمعنا و اصیل وی نسبت به کل واجدین شرایط شهر تهران ۸/۹۵ درصد است، که از شاخص قاعده اکثریت (نصف+۱) بسیار کمتر است و از این منظر، شاخص و وصف نمایندگی در مورد ایشان بسیار پایین است.

۳-۴- نمایندگی حداکثری ذینفعان (مردم‌سالاری مبتنی بر اکثریت اقلیت‌ها و گروههای ذینفع و تکثرگرایی)

یکی از شاخصه‌های اصلی نظام مردم‌سالار پذیرش کثرت‌گرایی، تنوع افکار و اندیشه‌های متنوع و متفاوت است. در راستای حق آزادی بیان و اندیشه، شهروندان می‌توانند در گروه‌ها و جوامع هم‌کیش و هم‌فکر فعالیت جمعی و سازمانی در قالب نهادهای مدنی داشته باشند و تحت عنوان جوامع ذینفع در انتخابات شرکت نمایند. جوامع ذینفع «با وضعیت و موقعیت افراد در جامعه تعریف می‌شوند، اما به طور کلی آنها به عنوان یک گروهی از افراد که بر حسب منافع یا ارزشها با هم متحد شده‌اند، مد نظر قرار می‌گیرند» (Handly, 2020: 2) این منافع مشترک می‌تواند دارای ریشه تاریخی یا فرهنگی، زمینه قومی و قبیله‌ای مشترک یا تنوعی از پیوندها را داشته باشد که یک گروهی از رأی‌دهندگان با منافع متفاوت را ایجاد می‌نماید.

براین اساس، نظام انتخاباتی باید تضمین‌بخش حقوق انتخاباتی تمام اقلیت‌ها و گروه‌های ذینفع در همه حوزه‌های اجتماعی باشد و شیوه مشارکتی از رای‌گیری مدنظر قرار گیرد که همه نهادهای مدنی از انگیزه کافی برای شرکت در انتخابات و همچنین از فرصت برابر به موجب فرایندهای انتخاباتی منصفانه جهت تصدی کرسی‌های پارلمان برخوردار باشند. در واقع، مفاهیم جدید مردم‌سالار و اکثریت تا حدودی تغییر یافته و مجلس به جای حاکمیت اکثریت یک اندیشه به «حاکمیت اکثریتی از اقلیت‌ها و گروه‌های ذینفع اجتماعی» (ر.ک. هلد، ۱۳۸۴؛ دهشیار، ۱۳۸۶) تغییر جهت داده است. چنین مفهوم جدیدی از نظام مردم‌سالار موید نظام توزیع و تقسیم قدرت به شیوه عادلانه، منصفانه و مشارکتی است. در این راستا، «نظریه «دموکراسی توافقی»^۴ و «دموکراسی انجمنی»^۵ جایگزین مفاهیم پیشین شده است.» (مفاخری، ۱۳۹۶: ۲) این نظریه، که توسط آرند لایبهارت، نظریه‌پرداز برجسته حوزه دموکراسی ارائه شده، دو مدل دموکراسی، انجمنی و توافقی، که به مدل غیراکثریتی معروف‌اند، را معرفی می‌کند و بر دو ویژگی منحصر به فرد تاکید دارد: ۱- فراهم نمودن بستری برای بیشینه کردن مشارکت حداکثری مردم در حد امکان ۲- ارتقای ثبات سیاسی و دموکراتیک ناشی از این مشارکت. (مفاخری، ۱۳۹۶: ۲)

دموکراسی توافقی برخلاف مدل اکثریتی که بر «رقابت» بین نیروهای سیاسی تاکید دارد، به دنبال مشارکت و ائتلاف همه نیروهای عمده مختلف سیاسی می‌باشد؛ این مدل از دموکراسی به جای رقابت، بر «توافق» نخبگان و نیروهای سیاسی برای اداره حکومت تاکید دارد. به عبارت دیگر، در دموکراسی اکثریتی، حزب اکثریت پیروز در انتخابات، قدرت را در قبضه خود داشته و در مقابل، حزب بازنده که معمولاً حزب اقلیت است محکوم به ماندن در موضع اپوزیسیون می‌باشد، در حالیکه در دموکراسی توافقی تشکیل حکومت، ائتلافی بوده و همه نیروهای سیاسی می‌توانند به نسبت آرا و کرسی‌های کسب شده در مجلس، در ادارها مور کشور سهیم باشند. (مفاخری، ۱۳۹۶: ۹)

با درک این نظریه، مفهوم نوین مردم‌سالاری بر اساس مشارکت همگانی و حضور همه گروه‌های ذینفع در قالب گروه‌های متعدد اجتماعی به شرط داشتن پایگاه معقول و قال توجهی می‌تواند با تناسب محبوبیت و گستره فعالیت و تعداد اعضا، در پارلمان کرسی تخصیصی داشته باشند. مثلاً اتحادیه کارگری در کل کشور ۱۰ کرسی، انجمن معلولان ۲

کرسی، انجمن وکلا و مشاغل قضایی ۱۰ کرسی. در مقام بهره‌مندی از این نظریه و با عنایت به تاکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر حضور و مشارکت مردم در اداره امور کشور و رکن اصلی تصمیم‌گیری (اصول ۳، ۶، ۷، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۵۶، ۱۰۷) زمینه طراحی مردم‌سالاری مشارکتی، توافقی و انجمنی و حضور کلیه بازیگران و گروه‌های ذینفع در قالب فعالیت احزاب سیاسی و انجمن‌های اجتماعی و اقلیت‌های قومی و مذهبی فراهم است. اما نظام انتخاباتی مجلس بر پایه رقابت فردی و مستقل و بدون توجه به گروه‌های ذینفع به استثنای اقلیت‌های مذهبی شناخته شده در قانون اساسی طراحی شده است که در عمل منجر به پیروزی برخی گرایش‌های سیاسی و یا اکثریت یک گرایش سیاسی می‌شود.

بر اساس شاخص بدست آمده از ترکیب منتخبین دوره یازدهم، گرایش سیاسی آن‌ها عبارتند از: «۲۲۱ نماینده اصولگرا - حدود ۱۹ نفر اصلاح طلب و اعتدال‌گرا - ۳۴ نفر مستقل - ۱۱ نفر در مرحله دوم (که در ۸ حوزه، نمایندگان اصولگرا به مجلس راه یافتند) - ۵ نفر اقلیت‌های دینی». چنین ترکیبی نشان می‌دهد اکثریت قاطع (بیش از سه چهارم) نمایندگان در تصرف اصولگرایان است و درصد کمی هم به اصلاح‌طلبان و افراد مستقل و اقلیت‌های دینی اختصاص یافته و سایر بازیگران اجتماعی و گروه‌های ذینفع سهمی از کرسی‌های پارلمان ندارند. حتی بانوان که سهم ۴۸ درصدی از واجدین شرایط رای را دارند، فقط ۱۷ کرسی را در اختیار گرفته‌اند که در تناسب با میزان جمعیت آنها نیست. در واقع، چنین سازوکار رای‌گیری و ترکیب منتخبین، منجر به حاکمیت اقلیت بر اکثریت شده است که خود نقض آشکار قاعده اکثریت و اصل حاکمیت ملی محسوب می‌شود. همچنین با فلسفه نظام جمهوری اسلامی که بر پایه مشارکت عامه مردم در تمام امور^۶ و میزان رأی ملت بنا نهاده شده، در تعارض است.

به منظور رفع اشکال وضعیت تک‌صدایی حاصله از نظام رای‌گیری اکثریتی و تحقق مشارکت عامه و واقعی مردم با حضور همه ذینفعان، پیشنهاد می‌شود که تعداد نمایندگان افزایش یابد و نظام حوزه‌بندی به دو قسمت حوزه‌های تک کرسی و چند کرسی شهرستانی و یک حوزه در سطح ملی برای گروه‌های ذینفع به تناسب جایگاه و موقعیت اجتماعی و ملی، کرسی‌های اختصاصی تعریف و مشخص شود. در این طرح، چندین حوزه شهرستانی (نیمی از کرسی‌های مجلس) با شیوه نظام اکثریت نسبی و یک حوزه انتخابیه سراسری و ملی

با تخصیص کرسی‌ها گروه‌های ذینفع دارای پایگاه معقول در نظر گرفته و نیمی از کرسی‌های نمایندگی به به نسبت جایگاه و پایگاه اجتماعی و ملی به آنها تخصیص داده می‌شود و با روش نظام انتخاباتی تناسبی چنانچه حداقل ۵ درصد از کل آرا در سطح ملی کسب نمایند می‌توانند حداقل یک کرسی در مجلس را به خود اختصاص دهند. البته گروه‌های ذینفع همچون بانوان، اقلیت‌های مذهبی و احزاب سیاسی در سطح ملی فهرست انتخاباتی ارائه می‌نمایند. به طور مثال به انجمن معلولان که حدود ۳ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و نماینده‌ای در حال حاضر در مجلس ندارند، می‌توان ۳ کرسی تخصیص داده شود که در سطح کشوری می‌توانند با برگزاری انتخابات درون گروهی به نفرات شاخص برسند و با ارائه فهرستی چند برابر تعداد ۳ کرسی مقرر در سطح کشوری و بعد از تایید صلاحیت، در روز انتخابات هم به کاندیداهای مورد نظر خود از فهرست معلولان و هم به کاندیدای شهرستانی رای می‌دهند. با چنین نظامی، نمایندگی اختصاصی آنها در مجلس در پیگیری مطالبات‌شان تضمین شده است و همچنین برای سایر گروه‌های ذینفع با اعمال چنین رویکردی، زمینه مردم‌سالاری مشارکتی، انجمنی، قاعده اکثریت و حاکمیت ملی در معنای همه مردم فراهم می‌شود و از بروز پدیده حاکمیت اقلیت بر اکثریت نیز جلوگیری می‌شود.

جدول شماره (۴) - مدل سازی تحقق واقعی حاکمیت ملی و قاعده اکثریت



مردمی سازی نظام سیاسی وابسته به تامین و تضمین زیر ساخت‌ها، ارزش‌ها، رویه‌ها و سازوکارهای نهادین شده است که در مسیر و غایتی مشخص در همسویی با هم حرکت می‌نمایند و همچون مجموعه‌ای نظام‌مند و هدفمند فعالیت می‌کنند. در این راستا، موتور حرکت مردم‌سالاری و یا جاده حرکت آن، انتخابات و قواعد عادلانه و منصفانه رقابت سالم سیاسی است. هدف و غایت در این نظام تضمین آزادی اراده، کرامت انسانی، خودشکوفایی، خیر و مصلحت عمومی، برابری ذاتی و سیاسی و در مجموع حقوق و آزادی‌های بشری در مسیر برقراری صلح و امنیت عمومی است. رسیدن به این مهم منوط به پذیرش حاکمیت ملی و جابه‌جایی جریان آرام قدرت از مسیر گزینش آزاد و مشارکت عمومی است. زمامداری مردم از طریق اراده جمعی خود، موجبات قانون‌مداری و ثبات سیاسی را فراهم می‌نماید، چون هم نمایندگان و فرمانروایان از بین خود مردم انتخاب شده‌اند و هم تحت کنترل مردم هستند. به عبارتی، «حاکمیت و حکومت یعنی مردم و مردم هم یعنی حاکمیت». گویی تاروپود حاکمیت با مردم یکی است و این دو یک روح در دو کالبد هستند و حاکمان عصاره اراده ملت‌اند.

سازوکار و روشی که می‌تواند جامعه را در این وضعیت به سامانی قرار دهد، رای اکثریت، احترام به اقلیت و حقوق بنیادین شهروندان است که در قالب قاعده اکثریت در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت. قاعده اکثریت مویذ مدیریت موقت اکثریت حداقل نصف+۱ از مجموعه ملت به عنوان نمایندگان عموم مردم و نهادینه‌سازی تصمیم‌گیری جمعی در اجتماع برای نائل شدن به غایات زیست جمعی و آرمان‌های فوق‌الذکر نظام مردم‌سالاری است. با توجه به ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران و مردمی بودن آن، پژوهش در مقام پاسخ‌دهی به این پرسش بود که آیا نتایج انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی از اصول و موازین قاعده اکثریت و نمایندگی پرمعنا و اصیل تبعیت می‌نماید؟ در مقام پاسخ دهی به پرسش، با فرض اینکه چنین مطابقتی وجود ندارد، نتایج انتخابات با روش مطالعه آماری مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصله نشان داد که نوع نظام انتخاباتی و رای‌گیری اتخاذ شده تلفیقی از نظام اکثریتی ساده، تناسی غیرحزبی ساده و تک حوزه‌ای و چند حوزه‌ای در مرحله اول و اکثریت نسبی با هر میزان رای در مرحله دوم است.

مهمترین اشکالات وارده به این نظام رای‌گیری عبارتند از: ۱- استفاده از نظام حدنصابی یک پنجم برای مرحله اول که روش اعمال شده در نظام انتخاباتی تناسبی و مختص نظام حزبی است. در حالی که انتخابات در ایران مبتنی بر نظام حزبی نیست، پس به نتایج نامتجانسی منتهی می‌شود. ۲- استفاده از نظام اکثریت ساده در مرحله اول بر مبنای آراء ماخوذه صحیح حاضران که منجر به تشکیل منتخبینی از نمایندگان در دوره یازدهم مجلس با شاخص نمایندگی پرمعنا حدود ۱۷ درصد در کل کشور و در حدود ۱۶ درصد در شهر تهران شده است. بر اساس چنین نظامی که برندگان بر اساس رای اکثریت حاضرین مشخص می‌شوند، انحرافی از قاعده اکثریت محسوب می‌شود، چرا که قاعده اکثریت بر مبنای احراز نصف + ۱ کل واجدین شرایط بنا نهاده شده است تا نمایندگان منتخب، نماینده اکثریت واقعی ملت باشند. در حالی که اکثریت ساده حاضرین با تاکید بر اکثریت آراء ماخوذه صحیح در صورتی که مشارکت پایین باشد، همچون انتخابات دوره یازدهم، نمایندگانی وارد پارلمان می‌شوند که نماینده اکثریت بسیار پایین واجدین شرایط رای می‌باشند. در شاخص بدست آمده از این انتخابات، شاخص نمایندگی پرمعنا در کردستان ۸/۸۶ پایین‌ترین و کهکیلویه و بویراحمد ۳۳/۳۰ درصد بوده و سایر استان در این میانه هستند که با قاعده اکثریت نصف + ۱ بسیار فاصله دارد و مطابق قاعده نیست. در نتیجه منجر به حکومت اقلیت بر اکثریت می‌شود. ۳- انتخابات مردم‌سالار جهت تحقق اندیشه حاکمیت ملی منوط به حاکمیت اکثریتی از تمام ذینفعان اجتماعی است؛ در حالی که ساختار نظام رای‌گیری در ایران صرفاً بر شاخصه گرایش سیاسی (به غیر از اقلیت‌های دینی)، بنا نهاده شده است و سایر ذینفعان و گروه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره نماینده اختصاصی در مجلس نخواهند داشت. نتایج دوره یازدهم نشان داد که تنها یک گرایش سیاسی به نام اصولگرایان با بدست گرفتن بیش از سه چهارم از کرسی‌های پارلمان (حدود ۲۳۰ نماینده) اکثریت قاطع مجلس را تصاحب نموده‌اند که موید نمایندگی تک‌صدایی است. این تعداد نماینده از یک گرایش سیاسی نمی‌تواند نشانگر حاکمیت ملی و نمایندگی منفعت عمومی باشد. تصور نمایید در انتخابات آتی، اگر مشارکت مردم به ۲۰ میلیون یا ۱۰ میلیون نفر برسد، درصد شاخص نمایندگی اصیل به زیر ۱۰ درصد خواهد رسید که در این صورت ترکیب منتخبین مجلس نمی‌تواند گویای عصاره اراده ملت باشد.

نظر به اشکالات مطروحه ایجاب می نماید نظام رای گیری در جهت تحکیم حاکمیت ملی، وحدت و انسجام ملی، مشارکت حداکثری تمام شهروندان و ذینفعان و تمامی گرایش های فکری تغییر نماید و پیشنهاد می شود نظام انتخاباتی در دو سطح ملی و شهرستانی یک مرحله ای با تلفیقی از نظام تناسبی حزبی تک حوزه ای در سطح ملی و تخصیص کرسی ها به هر کدام از ذینفعان دارای پایگاه اجتماعی ملی معقول و در سطح شهرستانی با نظام اکثریت نسبی در قالب مناطق تک حوزه ای و چند حوزه طراحی شود و نیمی از نمایندگان در سطح ملی و نیمی دیگر در سطح شهرستانی انتخاب شوند. پس با مشارکت همه ذینفعان، قاعده اکثریت می تواند تامین شود. اعمال چنین نظامی موجب تقویت مشارکت همه مردم، ذینفعان اجتماعی، رقابت منصفانه، چندصدایی، نمایندگی واقعی و پرمعنا و باعث کاهش رویه حاکمیت اقلیت خاص بر اکثریت می شود. لازم به ذکر است تضمین مولفه های فوق الذکر حقوقی در جهت رفع اشکالات نظام انتخاباتی مجلس و برای تحقق قاعده اکثریت و مشارکت حداکثری عمومی کافی به نظر نمی رسد و همچنین افزایش مشارکت، وابسته به فراهم بودن عوامل و زیرساخت های فراحقوقی نظیر عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، رفاهی و غیره است.

منابع

- احمدی، علی (۱۳۸۹)، *انتخابات در ایران*، تهران: نشر میزان.
- ایمی، داگلاس. جی (۱۳۹۶)، *نظام های انتخاباتی*، ترجمه مسلم آقایی طوق و اعظم عدالت جو، تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- خرمشاد، محمدباقر و رفیعی قهساره، ابوذر (۱۳۹۷)، «نظام انتخاباتی و تأثیر آن بر نظام حزبی در ایران»، *فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران*، سال اول، شماره اول، پیاپی ۱.
- خسروی، حسن (۱۳۹۸)، *حقوق انتخابات دموکراتیک*، تهران: انتشارات مجد.
- رینولدز، آندرو و دیگران (۱۳۹۱)، *دانشنامه نظام های انتخاباتی*، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۶)، «دموکراسی اکثریت، دموکراسی اقلیت نویسندگان» *مجله شهروند*، شمار ۱.
- سائلی کرده ده، مجید (۱۳۷۸)، *سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صالحی، محمدجواد (۱۳۸۳)، *دموکراسی و اعتبار رأی اکثریت در اسلام*، تهران: مرکز پژوهش های

صدا و سیما.

- عباسی، بیژن (۱۳۸۸)، «نقد و بررسی نظام‌های انتخاباتی اکثریتی و تناسبی»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۳.
- فارل، دیوید (۱۳۹۲)، *نظام‌های انتخاباتی، احزاب و رأی دهندگان*، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۷۶)، «اعتبار رأی اکثریت»، *مجله حکومت اسلامی*، سال دوم، شماره چهارم.
- مفاخری، رامین (۱۳۹۶)، «دموکراسی‌های اکثریتی و غیراکثریتی مبتنی بر نظریه تسهیم قدرت»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال سیزدهم، شماره ۳۸.
- موسویان، سیدابوالفضل (۱۳۸۰)، «جایگاه اقلیت و اکثریت در اندیشه سیاسی اسلام»، *نامه مفید*، شماره ۱.
- مؤمنی، جواد (۱۳۸۴)، «اهمیت آرای عمومی و اکثریت در نهج البلاغه»، *پژوهش‌های مدیریت راهبردی (بصیرت)*، سال ۱۲، شماره ۳۴.
- هاشمی، سیدمحمد و مختاری، مهدی (۱۳۹۰)، «سیر تحول نظام انتخابات پارلمانی در ایران»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ویژه‌نامه شماره ۵.
- هلد، دیوید (۱۳۸۴) *مدل‌های دمکراسی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- یثربی، سیدعلی محمد (۱۳۹۰)، «اقلیت، اکثریت و فلسفه مشروعیت»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۱، شماره ۲.
- Handy, Lisa, (2020), "Structure and Rule for Delimiting Electoral District", www.aceproject/Electorol Districts.htm.
- Herod, James (2007), "Majority rule", at: http://site.www.umb.edu/faculty/salzman_g/Strate/GetFre/4-20.htm.
- Democracyweb (2020), "Majority Rule/Minority Rights: Essential Principles", <https://democracyweb.org/majority-rule-principles>.
- Mangasarian, Leon (2013), "How Germany's Election System Works: What to Watch for Today", <https://www.bloomberg.com/news/articles/2013-09-21>.
- Patrick, John (2006), "Majority Rule and Minority Rights", at: *Understanding Democracy*, New York: Oxford University Press.
- Vermeule, Adrian (2007), "Absolute Majority Rule", *British Journal of Political Science*, Vol. 37, No. 4. Published by: Cambridge University Press. <https://www.jstor.org/stable/4497316>.

1. Majority Rule
2. Simple Majority or Majority of the Members Present
3. Absolute Majority
4. Consensus democracy
5. Consociational democracy

۶. بند ۸ اصل سوم: « مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش». اصل ششم: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود: از راه انتخابات:..... مجلس شورای اسلامی.....».

